

عنوان مقاله:

روایت شناسی داستان هفت گردان برپایه روایت انوشیروان مرزبان و ابوالقاسم فردوسی

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 4، شماره 2 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

آرش اکبری مفاخر - عضو قطب علمی فردوسی شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

رقیه شبیانی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

این مقاله به روایت شناسی داستان هفت گردان به روایت فردوسی در شاهنامه و قصه افراسیاب بن پشنگ به روایت انوشیروان مرزبان در روایات داراب هرمزدیار می پردازد. به این منظور پس از بررسی خلاصه دو روایت از دیدگاه راویان، روایت شناسی، ساختارشناسی تطبیقی و ریشه شناسی بنیادهای آیینی و اساطیری، دو روایت مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی ها نشان می دهد که روایت فردوسی، روایتی دهقانی، ملی و خردگراست که در آن حذف های آیینی (زردشتی بودن رستم) و اسطوره های (دیدار افراسیاب با اهریمن) به چشم می خورد. اگرچه به نظر می رسد، این آیین زدایی پیش از فردوسی صورت گرفته؛ اما ممکن است، اسطوره زدایی از سوی وی انجام شده باشد. در برابر، روایت انوشیروان روایتی موبدی با تکیه بر آموزه های مزدیسنايي، اصیل، یکدست، کامل و دارای ژرف ساختی اسطوره های و آیینی است که با الگوهای اساطیری- آیینی داستان های ایرانی همخوانی دارد. این داستان نقشی مهم در الگو شناسی روایی داستان های حماسی ایران، در گذر از روایت موبدی به دهقانی دارد.

کلمات کلیدی:

هفت گردان، قصه افراسیاب بن پشنگ، روایت شناسی، ساختارشناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209509>

